

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸
صفحات ۲۷۱-۲۴۳ (مقاله پژوهشی)

بررسی مفهوم جنون در فقه فریقین با تأملی در نگرش قانون مجازات اسلامی

محسن ملکی افضلی^۱، مینا سعیدی^{۲*}

۱. دانشیار، دانشگاه جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، قم، ایران

(تاریخ ارسال ۱۳۹۷/۴/۱۴؛ تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۲/۱۶)

چکیده

رفع ضمان کیفری مجنون یکی از اصول مسلم و مطرح در فقه و قوانین موضوعه اسلامی است؛ این در حالی بوده که واژه جنون گستردگی معنایی زیادی دارد. تبیین مفهوم فقهی - حقوقی جنون با توجه به اراده مفاهیم مختلف از جنون و عدم وضوح رابطه و جایگاه الفاظ قرین با آن همچون معتوه، احمق، سفیه، ابله و... امری شایان توجه و ضروری بوده که به‌عنوان هدف این نوشتار انتخاب شده است. ثمره بررسی تطبیقی مفهوم جنون در فقه تشیع و اهل سنت با کمک مطالعه توصیفی، مقایسه‌ای و تفسیری، حکایت از معنایی تشکیکی با جوهره اختلال و فساد عقل دارد. کتاب قانون نیز با تعریف و تفسیر ملاک جنون در فقه که همان فقدان ادراک و قوه تمیز در محدوده جرم ارتكابی است، شاخصه قضاوت در محدوده عارضه‌های روانی را به مجری قانون اسلامی ارائه کرده است، لذا اختلال‌های روانی با درجات مختلف تحت عنوان مذکور، از مسئولیت کیفری و اعمال مجازات مبرا می‌شوند.

واژگان کلیدی

جنون، فقه شیعه و اهل سنت، قانون مجازات، مجازات جزایی، معتوه.

مقدمه

عارضه جنون با هجمه به بنیان ادراک و عقل آدمی، موضوع بحث بسیاری از روایات و کتب فقهی مکتب تشیع و مذاهب اهل سنت قرار گرفته است.

احادیث و آثار کهن فقهی، تکلیف و در نتیجه مؤاخذه بر ترک آن را از فرد مجنون منع کرده است، لذا کشف ماهیت و مصادیق مجنون ضرورتی انکارناشدنی است؛ این در حالی است که از مفهوم جنون در آثار فقهی و در جایگاه‌های مختلف استعمال (در تعاملات عامیانه و مطالعات علمی) معانی و درجات متفاوتی اراده شده است؛ با وجود بحث و بررسی و تقسیم‌بندی کامل‌تر اهل سنت از مبحث جنون، این اختلاف معنا در فقه اهل سنت ظهور بیشتری می‌یابد، اما در فقه شیعی، اغلب با توضیحی گذرا از این مفهوم و واژگان مرتبط با آن روبه‌رو می‌شویم؛ با وجود این قصور کلامی که گاهی فقه شیعه را به سکوت و ابهام در احکام افرادی چون "معتوه"^۱ و "ناقص‌العقل" متهم می‌کند، دیدگاه فقه جعفری در تبیین معنا، مراتب و مصادیق جنون، با ارائه حکمی کلی، واضح و یکپارچه مشخصاً بیان شده؛ هر چند جای بررسی تفصیلی و دانشگاهی در این زمینه همچنان خالی است.

در فقه مذاهب اسلامی بررسی مفهوم و احکام جنون به صورت پراکنده و در ابواب مختلف فقهی جای گرفته است. احکام ارائه شده حول محور جنون، در حیطه فقه جزایی نیز در ابواب حدود، قصاص و دیات قرار می‌گیرد.

اکثریت آثار فقهی به بررسی احکام، قانون‌ها و روایات موجود در مورد شخص دیوانه پرداخته‌اند و در مقام تبیین مفهوم جنون و مصادیق آن، به تعریفی گذرا و برگرفته از متن روایات و کتاب لغت اکتفا کرده‌اند.

مقالات نوشته شده پیرامون عنوان جنون نیز اغلب جنبه حقوقی داشته‌اند و به بررسی احکام مجنون در حقوق مدنی و جزایی، بدون بحث و بررسی معنای جنون پرداخته‌اند؛ لذا

۱. یکی از واژگان همسو و پرکاربرد با جنون در زبان عرب و به خصوص روایات، مفهوم عام عته یا کم‌عقل است که مباحث وسیعی را در خصوص تبیین جایگاه خود در فقه و لغت به خود اختصاص داده و همانند جنون با اختلاف‌های زیادی همراه است. از مفهوم ناقص‌العقل به عنوان تعریف برگزیده معتوه می‌توان نام برد.

تبيين و بررسی مفهوم جنون، موضوع اختصاصی کتاب، پایان‌نامه یا مقاله فقهی - حقوقی نیست، و از این موضوع به صورت مستقل سخن گفته نشده است.

نوشتار پیش‌رو با هدف مطالعه‌ای تطبیقی پیرامون مفهوم جنون در فقه فریقین و در صدد تلاش مؤثری در جهت مفهوم‌شناسی جنون در شریعت اسلامی و به‌ویژه مکتب اهل بیت، تشخیص دایره مصادیق این عنوان و رابطه‌ی واژگان همسو با جنون است و در ضمن آن، به تحلیل نگاه قانونگذار در این باب با توجه به مبنای احکام اسلامی می‌پردازد.

دیدگاه قانون در مبحث جنون

ملاک مخاطب قانونگذار بودن، بهره‌مندی از قدرت ناطقیت اوست. در حقوق جزای مدرن (چه در حقوق نشأت‌گرفته از اسلام و چه در حقوق غیراسلامی) سلامت عقلانی به‌عنوان یکی از عناصر مسئولیت کیفری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با احراز جنون در حین ارتکاب عمل مجرمانه، جرم به شخص انتساب‌شدنی نخواهد بود و شخص از مسئولیت کیفری مبرا خواهد شد. به همین جهت در طول دادرسی‌های قضایی، یکی از توجیهاتی که مرتکبان پاره‌ای از جرایم بخصوص قتل به آن تمسک و در دفاع از خود بیان می‌کنند، جنون حین ارتکاب جرم است.

ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰، جنون به هر درجه‌ای را رافع مسئولیت کیفری می‌شمارد.

در ابتدای ورود به این موضوع و هنگام بررسی کتاب‌های حقوقی و مقالات موجود در باب جنون، به انتقاد اکثریت محققان فعال در این زمینه در باب قصور قانون از تبیین معنای جنون و احکام نشأت‌گرفته از آن برمی‌خوریم.

ماده ۵۱، محکوم به مبهم بودن و کوتاهی در تصریح حکم اختلال‌های روانی میانی شده بود؛ دلیل این نقد نیز به کاربرد واژه ابهام‌برانگیز و منسوخ جنون برمی‌گردد.

این ماده بر اساس متون فقهی به ملاک بودن مفهوم جنون در رفع تکلیف و عقوبت و تأکید به دارای درجه و انواع بودن برای مجانین می‌پردازد.

جنون از نگاه فقه، مفهومی عام و تشکیکی است که شامل تمامی عارضه‌های روحی منجر به فقدان ادراک، تمییز و اراده می‌شود و هرگونه اختلال روانی دارای این شرط در دایره افراد مجنون و فاقدین مسئولیت قرار می‌گیرد. لذا قانون صادره با ملاک قرار دادن جنون و مشخص بودن این مفهوم برای قاضی و خبره در فقه، هیچ‌گونه کوتاهی در ابراز حکم افراد مبتلابه اختلال‌های روانی نداشته است. شاید از نگاه عموم مردم قانونی ابهام‌برانگیز و مجمل به نظر آید؛ چرا که نه در طب قدیم و نه در علم پزشکی و روان‌شناسی امروزی، تفسیر واحدی درباره این لفظ ایراد نشده است، اما گفتیم که اراده مفهوم جنون در کتاب قانون، به دلیل مشخص و رایج بودن این مفهوم در فقه، ملاک رفع مسئولیت در اختلال‌های روانی را به قاضی ارائه می‌کند و هیچ‌گونه کوتاهی در بیان احکام افرادی چون کم‌عقل (معتوه) مفروض نیست. به‌علاوه اینکه خصوصیت بارز تمامی کتب قانونی، اختصار و اکتفا به اصول مهم و پرهیز از تفسیر و توضیح اضافی است.

سخنان مطرح‌شده پیرامون این ماده سبب شد که قانونگذار در تصویب قانون مجازات سال ۱۳۹۲، ماده قانونی مذکور را با تفسیر معنای مراد فقه از جنون، تبدیل به احسن کند و به شفافیت نظر فقه و حقوق اسلامی در مورد عارضه‌های عقلانی و احکام آن کمک فراوانی بکند.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ذیل ماده ۱۴۹ در مقام تعریف جنون اذعان می‌دارد: «هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده، به‌نحوی که فاقد اراده و یا قوه تمییز باشد، مجنون محسوب شده و مسئولیت کیفری ندارد».

مطابق این ماده هرگونه اختلالی که «سبب فقدان اراده و قوه تمییز» شود، فرد مبتلا را در دایره دیوانگان و افراد فاقد مسئولیت قرار می‌دهد.

اولین رکن تعریف، اختلال روانی است. اما بدیهی خواهد بود که هر اختلال روانی را نمی‌توان جنون به حساب آورد؛ همان‌طور که قانون مجازات اسلامی در بحث از دیه منافع به اختلال روانی که به حد جنون نرسد، اشاره کرده است. در ماده ۶۷۷ آمده است: «در

زوال و نقصان حافظه و نیز اختلال روانی در صورتی که به حد جنون نرسد، ارش ثابت است.»

لذا قانونگذار در ادامه تعریف با قید اساسی «فقدان اراده و تمیز» آن دسته از اختلال‌های روانی را که موجب سلب اراده و قوه تمیز می‌شود، در ردیف جنون قرار می‌دهد.

مطابق قانون، اگر قوای عقلانی شخصی کاملاً مغلوب نشده و عرف مردم در معاشرت گذرای خود با او متوجه نقصان ادراکی او نشوند، بلکه با معاشرت طولانی یا دقت کارشناسانه در رفتار صادرشده، فقدان ادراک و تمیز وی در جنبه‌ای از دستگاه فکری و عملی او مشخص شود و این شخص در همان جنبه مرتکب جرمی شود، محکوم به دیوانگی و عدم تکلیف و در نتیجه منع مجازات خواهد شد.

برای مثال در جنون ترس بی پایه از آزار دیگران، شخص بیمار که رفتارش از جهات دیگر کاملاً عادی و بهنجار به نظر می‌رسد، تصور می‌کند که شخص معینی درصدد آزار و شکنجه اوست؛ در چنین حالت جنون‌آمیزی شاید بیمار برای مقابله با دشمن خیالی خود، او را به قتل برساند. در این مثال جنون و فقدان شعور شکل خاص و محدودی دارد، ولی به هر تقدیر مسئولیت جزایی را از بین می‌برد (صانعی، ۱۳۸۲: ۵۰۵).

سنگ بنای تعریف فقه و حقوق اسلامی از جنون به «فقدان ادراک و قوه تمیز» برمی‌گردد. لذا جنون عاملی است که بر قوای ادراکی فرد تأثیر می‌گذارد و موجب پیدایش اختلال در دستگاه عقلی و روانی شخص می‌شود. این اختلال سبب می‌شود که شخص قدرت تشخیص، آگاهی و اراده بر اعمال خود و تمیز بین نیک و بد را نداشته باشد.

اهتمام ما در این نوشتار، بررسی مفهوم جنون در فقه فریقین البته با تأکید بیشتر بر فقه مکتب اهل بیت و سنگ بنای قانون مجازات ایران است؛ باشد که در تبیین این مفهوم مؤثر واقع شود.

جنون از دیدگاه اندیشمندان شیعی

از دیدگاه ارباب لغت جنون از ریشه ج.ن.ن (پوشاندن و پنهان کردن) به معنای «پوشیده و پنهان شده» است (معجم مقاییس اللغة، ج ۱: ۴۲۱ - ۴۲۰؛ لغتنامه دهخدا، ذیل جنون) و مجنون کسی است که عقلش پوشانده شده باشد (قرشی، قاموس قرآن، ذیل جن).^۱

در کلام فقها و اهل فن جنون، نوعی بیماری مشخص با چارچوب دقیق نیست؛ این مفهوم از لابه‌لای سطور کتب فقهی با عناوینی کلی چون فساد و زوال عقل، اختلال ادراک و تمییز و مغلوب شدن قوای عقلانی ظهور پیدا می‌کند. شایسته است به‌عنوان نمونه به بیان چند تن از علمای فقه در باب تعریف جنون اشاره شود.

شیخ طوسی جنون را به «زوال عقل» تعبیر کرده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۷۳۳).

محقق حلی و فقهای چون شهید ثانی و مرحوم بحرانی «فساد عقل» را برگزیده‌اند (علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۲۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۳۸۵؛ آل‌عصفور، ۱۴۱۰، ج ۲۴: ۳۳۶).

محقق کرکی از تعبیر «اختلال و فساد عقل» استفاده کرده است (محقق ثانی، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۱۸).

شیخ کلینی در ضمن بیان احکام جزیه از مجنون به «المغلوب علی عقله»؛ «کسی که قوای عقلانی او مغلوب گشته است» تعبیر می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۵۶۷).

از شهید ثانی در آثار ارزشمند خود «مسالک الافهام» و «روضه البهیة» در مقام تبیین معنای جنون، تعبیر «الجنون فنون»^۲ به چشم می‌خورد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸: ۱۰۲؛ ۱۴۱۰، ج ۵: ۳۸۵).

۱. جرجانی در التعریفات از قاضی یوسف نقل می‌کند که: «جنون تباهی خرد است، به گونه‌ای که آدمی از روند عادی و خردمندانه گفتار و رفتار جز در موارد نادر بازماند» (جرجانی، التعریفات، ذیل جن)؛ راغب جنون را «حائلی بین نفس و عقل» توصیف می‌کند. (راغب، مفردات، ذیل جن). شرتونی جنون را صفت کسی می‌داند که فساد امور از او پنهان است (شرتونی، اقرب‌الموارد)، ذیل جن).

۲. جنون دارای انواع است. فنون = ضروب. (کتاب العین، ذیل جنون، ج ۸: ۳۷۱).

مرحوم نراقی جنون را نوعی بیماری معین نمی‌داند، بلکه آن را اسمی برای تمام بیماری‌های دماغی و روانی می‌پندارد که سبب اختلال و فساد عقل می‌شوند. ایشان نیز از جنون به «فنون» تعبیر می‌کند که انواع و آثار مختلفی را شامل می‌شود (نراقی، ۱۴۱۷: ۵۱۳).

مجنون با این عناوین مفهوم عامی است که طیف گسترده‌ای از بیماری‌های روانی را دربرمی‌گیرد. اوصاف و ویژگی‌های مجنون می‌تواند در افراد و بیماری‌های مختلف با نشانه‌ها و علائم متفاوتی بروز کند، ولی عنصر «زوال عقل و اراده» نقطه‌ی اتفاق همه‌ی این اختلال‌ها محسوب می‌شود.

مجنون کسی است که توانایی درک واقعیات از او سلب شده است و نمی‌تواند به قانون‌ها و نقض آن بیندیشد. او پیوسته در صدد ارضای آنی خواسته‌ها و تمایلات خود است، واقعیت را آن‌گونه که هست نمی‌یابد و توان فهم خطاب‌های قانونگذار را ندارد.

علمایی چون فاضل مقداد و مرحوم حائری قید «استقرار» را نیز به تعریف خود افزوده‌اند و جنون را «فساد عقل مستقر» می‌دانند؛ با این خصوصیت اشتباه و سهو زودگذر یا اغمای ناشی از هیجان یا مرض، از دایره‌ی افراد مجنون به علت نبود قابلیت اطلاق جنون بر آنها خارج می‌شود (حلی سیوری، ۱۴۰۴، ج ۳: ۱۷۹؛ طباطبایی حایری، ۱۴۱۸، ج ۱۱: ۴۵۳، محقق ثانی، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۱۸).^۱

شهید صدر در توضیح این قید می‌فرماید: «همان‌گونه که بیان شد، جنون باید استمرار داشته باشد؛ بسیاری از افراد گاهی متصف به صفاتی موقتی می‌شوند که به هر دلیل بر اوضاع طبیعی آنها غالب می‌گردد، به صورتی که اگر این حالت در فرد استمرار یابد، قطعاً دیوانه محسوب می‌گردد؛ اما این حالت در زمانی اندک و به صورت موقت از علائم جنون نیست، برای همین گفته می‌شود که اتصاف افراد طبیعی به صفات دیوانگان امری معتاد و معمول می‌باشد» (شهید صدر، ۱۴۲۰، ج ۴: ۲۵۹).

۱. شایان ذکر است که دیگر علما نیز مانند محقق حلی، محقق ثانی و فخرالمحققین در ادامه‌ی مباحث خود، «استقرار جنون» (و در نتیجه خروج این افراد را) در قالب ویژگی‌های جنون متذکر شده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۲۶۳؛ فخرالمحققین حلی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۱۷۵).

در آثار متقدم فقهی به هنگام بررسی احکام جنون در مبحث مجازات اعم از حدود، قصاص و دیات، تنها به ذکر عنوان رفع تکلیف و مجازات از مجنون و اکتفا به تعاریفی کلی چون فساد و زوال عقل بسنده شده؛ با وجود روایات متعددی که در باب مجنون و معتوه ذکر شده است، تفکیک خاصی در مورد این مجنون و واژگان قرین با وی چون معتوه صورت نگرفته و این روش تدوین مسائل، در میان آثار بعدی نیز متداول شده‌اند.

این قصور کلامی و کم‌توجهی، به همراه منسوخ شدن واژه جنون در روان‌شناسی معاصر و جایگزینی عناوین جدیدی بر آشفتگی‌های گوناگون روانی، این سؤال را در ذهن محققان و حقوقدانان ایجاد می‌کند که مفهوم جنون در اصطلاح فقهی چه تعداد از مصادیق افراد مبتلا به اختلال عقل را شامل می‌شود. بدیهی است که تمامی این آشفتگی‌ها، راهی برای ورود در معنای فقهی جنون ندارد.

آنچه از بررسی کتب فقهی به دست می‌آید، وجود مفهومی تشکیکی برای معنای جنون در کتب فقهی است.

عموم تعریف‌هایی که از سوی فقها برای توضیح مفهوم جنون ارائه شده است، به صورت کلی بر قدر مشترک «فساد عقل» دلالت دارد.

تعریف ارائه شده تطبیق احکام مختلف و فراگیری آن را با انواع عارضه‌های عقلانی با مشکل مواجه کرده است؛ زیرا معنای ارائه شده از مجنون با عنوان فساد و زوال عقل، در نگاه سطحی، نقطه مقابل معنای ذکر شده برای افرادی چون معتوه با عنوان نقصان عقل قرار می‌گیرد و به رافعیّت تکلیف تنها در فساد کامل عقل و نه نقصان آن، به جهت بسیط دانستن معنای جنون، حکم می‌کند که البته در ادامه با استناد به کلام خود این فقها، عدم اراده این معنا و عدم تقابل مفهومی این دو بیان خواهد شد.

منشأ توهم انحصار حکم رفع تکلیف و عقوبت به شخص دیوانه صد درصد، به خلط معنای عام جنون با معنای خاص آن برمی‌گردد. واژه مجنون هم به صورت مفهوم عام و هم معنای خاص استعمال شده است که از دیدگاه فقهای شیعه، معنای عام آن با جوهره فساد ادراک و عقل اراده شده است، لذا در فقه جزایی مذهب تشیع آنچه مهم بوده، فقدان ادراک

و قدرت تمییز افعال قبیح و نیکو و از هم پاشیده شدن وحدت شخصیت و اراده متهم در زمان ارتکاب جرم است.

تعدادی از فقها در آثار خود به صراحت از جنون به فنون تعبیر کرده‌اند؛ از جمله:

- محقق ثانی (م ۹۴۰ ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، جلد ۱۳، صفحه ۲۱۸؛

- شهید ثانی (م ۹۶۶ ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، جلد ۵، صفحه ۳۸۵؛

مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، جلد ۸، صفحه ۱۰۲؛ جلد ۱۴، صفحه ۴۸۰؛

- فاضل هندی (م ۱۱۳۷ ق)، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، جلد ۷، صفحه

۳۵۹؛

- یوسف بن احمد بحرانی (م ۱۱۸۶ ق)، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، جلد

۲۴، صفحه ۳۳۶؛

- ملا احمد نراقی (م ۱۲۴۵ ق)، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام، صفحه ۵۱۸؛

- محمد حسن نجفی (م ۱۲۶۶ ق)، جواهر الکلام، جلد ۳۰، صفحه ۳۳۱ و جلد ۲۱،

صفحه ۲۳۷؛

- سید محمد رضا گلپایگانی (م ۱۴۱۴ ق)، الدر المنضود فی احکام الحدود، جلد ۳،

صفحه ۲۸؛

- سید محمد حسین ترحینی عاملی، الزبدة الفقهیة فی شرح الروضة البهیة، جلد ۵،

صفحه ۱۲۳.

شهید ثانی در باب تبیین جنون این گونه می نویسد: «جنون چیزی (عارضه‌ای) است که

با وجود آن عقل زائل می گردد و آن با (نشانه‌هایی چون) اختلال در نظم کلام و مخالفت

اعمال با افعال عاقلان فهمیده می شود» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۹: ۴۰۸).

درست است که در اکثر آثار فقه شیعه، از جنون به فساد و زوال عقل تعبیر شده است

(از جمله: شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۷۳۳؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۲۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج

۲: ۲۶۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۳۸۵؛ مجلسی اول، ۱۴۰۶، ج ۹ و ۸: ۳۲۸؛ آل عصفور،

۱۴۱۰، ج ۲۴: ۳۳۶؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۰: ۳۱۸؛ نراقی، ۱۴۱۷: ۵۱۸)، لیکن فقها در کنار این عبارت علاوه بر عنوان واضحی چون «الجنون فنون» از قیود توسیعی متفاوتی چون «علی‌أی وجه کان» (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۳۸۵)، «کیف اتفق» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸: ۱۰۲؛ آل‌عصفور، ۱۴۱۰، ج ۲۴: ۳۳۶) و «بأی وجه اتفق» (محقق ثانی، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۱۸) در تعریف‌های خود استفاده کرده‌اند؛ در نتیجه می‌توان گفت این فقها (همانند برخی از فقهای اهل سنت) از معنای فساد عقل، خروج افراد ناقص‌العقل را از دایره دیوانگان اراده نکرده‌اند؛ لذا ذکر عنوان فساد عقل، حاکی از نابودی تمامی قوای عقلانی نیست، بلکه مراد از آن فساد عقل در قسمتی از دستگاه ادراکی شخص است که به درک واقعیت افعال و تشخیص خوب و بد آنها مربوط می‌شود. حال اگر شخص در همان جنبه ادراکی مرتکب نابهنجاری دینی و اجتماعی شود، تحت عنوان مجنون از انتساب عمل مجرمانه به خود و اعمال مجازات مبرا می‌شود.

البته برای تعریف مفهوم جنون در کتب شیعی از واژگان عام‌تری چون «اختلال عقل» (حلی، ۳: ۱۷۵؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴؛ محسنی قندهاری، ۱۴۲۴، ج ۲: ۶۵؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۷: ۳۶۰) یا «مغلوب علی عقله» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۵۶۷) نیز استفاده شده است. آقای محسنی قندهاری در باب معنای جنون چنین آورده است: «واژه جنون اسمی برای یک نوع بیماری مشخص نیست، بلکه واژه‌ای برای تمامی بیماری‌های عقلی است که سبب اختلال عقل می‌گردد؛ فقها و اهل لغت از این عارضه‌ها با عنوان جامع فساد عقل تعبیر می‌نمایند» (محسنی قندهاری، ۱۴۲۴، ج ۲: ۶۵).

میرزای قمی در باب حضانت مادر بعد از شرطیت عقل برای او می‌نویسد: «مگر اینکه جنون او بسیار نادر باشد» (میرزای قمی، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۵۵).

در کتاب سند العروة الوثقی نیز شاهد مثال دیگری بر تشکیکی بودن معنای جنون وجود دارد؛ نویسنده در ضمن بیان احکام مجنون در فریضه حج، نوعی از جنون را ممزوج با درجه‌ای از ادراک بیان می‌کند و برای این نوع جنون، مراتب مختلفی قائل است (بحرانی، ۱۴۲۳، ج ۱: ۳۰).

آنچه از سخنان بزرگان به عنوان نمونه ذکر شد، گوشه‌ای از نشانه‌های مستدل به‌منظور درک مفهوم مصطلح فقهی جنون است، لذا با مشاهده استعمال واژه جنون و مجنون در کلام فقها نیز می‌توان به اراده معنایی عام برای این مفهوم و تشکیکی دانستن آن دست یافت.

شهید صدر در تبیین معنای جنون می‌نویسد: «مجنون کسی نیست که تمامی قوای عقلی او تعطیل شده باشد؛ همانا ممکن است بعض قوا به‌صورت دائمی تعطیل شود، در حالی که مابقی حواس به‌صورت سالم و کامل به فعالیت خود ادامه دهند، همانند شخصی که توهم بدهکار بودن شخصی را دارد و این دین را به حساب ریاضی دقیق و صحیح انجام می‌دهد، لیکن اصل دین وهمی و جنونی است. عموماً سقوط تکلیف از دیوانه، جز با قصور عقلی از ادراک واقع نیست، لیکن لازم نیست این قصور در همه جهات و اعتبارات لحاظ شود ... بلکه در هر جنبه‌ای دچار قصور عقلی باشد، تکلیف در همان جنبه از او ساقط می‌گردد، همچنین در هر زمینه‌ای که از فهم و التفات برخوردار باشد، همانند سایر مکلفین می‌باشد» (صدر، ۱۴۲۰، ج ۴: ۲۵۹ - ۲۵۸).

- یکی از دلایل عام دانستن معنای جنون و قائل شدن به مراتب و انواع مختلف برای آن، مباحث مربوط به روایت ابان بن تغلب از امام صادق(ع) در باب حد زناست.^۱ این روایت یکی از روایات مهم و بحث‌برانگیز در زمینه جنون در مبحث حدود محسوب می‌شود. جنجال مطرح شده در این روایت به قول شاذ عده‌ای از بزرگان فقه تشیع از جمله شیخین مربوط می‌شود که با استناد به این روایت به وجوب اجرای حد کامل در مرد دیوانه حکم کرده‌اند، لیکن اختلاف علمی برخاسته از این روایت به استفاده ما از این بحث ربطی

۱. ابان بن تغلب از امام صادق(ع) روایت می‌کند: زمانی که مرد مجنون یا معتوهی مرتکب جرم زنا گردند، تازیانه می‌خورند و اگر محصن باشند، سنگسار می‌گردند. پرسیدم فرق بین مرد و زن مجنون و مرد و زن معتوه در چیست؟ حضرت فرمودند: همانا زن مورد زنا واقع می‌شود و مرد فعل را انجام می‌دهد. به‌راستی که مرد موقعی عمل زنا را انجام می‌دهد که می‌اندیشد که چگونه لذت ببرد، ولی زن مورد اکراه است و فعل بر روی او اجرا می‌شود و در مورد آنچه با او انجام شده، فکر نمی‌کند (شیخ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۱۹۲؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰: ۱۹).

ندارد، چرا که ما در صدد استفاده از حواشی علمی مطرح شده ذیل این بحث به منظور بررسی مراتب جنون هستیم.

جدای از اشکال سندی حدیث و اشکال دلالتی وارد بر حکم مستند به آن، در این روایت مجنون و معتوه در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. نکته حائز اهمیت این است که در بعضی آثار به منظور نقد نظر شیخین و توجیه دلالت نص مذکور روایت را به سه صورت حمل کرده‌اند:

- حمل بر بقای مقداری تمیز و شعور به اندازه ملاک تکلیف داشتن (علامه مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۷۶: ۸۸ - ۸۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸: ۱۱۸؛ طباطبایی حایری، ۱۴۱۸، ج ۱۵: ۴۴۱)؛

- حمل بر کم‌فهم یا معتوهی که در وقت افاقه زنا کرده است (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۳: ۱۶؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷، ج ۱: ۱۸۷ به نقل از محقق اردبیلی)؛

- حمل بر احمقی که عقلش به کلی سلب نشده است.

از هر سه این توجیها می‌توان به طبقاتی بودن مفهوم جنون از دیدگاه فقه پی برد. توجیه اول، مجنون یا معتوه مورد نظر امام را، دارای میزان لازم از شعور و قدرت تمیز می‌داند.

قول دوم و خوب حد را در مورد معتوهی می‌داند که در دوران افاقه، مرتکب زنا شده است؛ قائل شدن به دو دوره افاقه و عروض اختلال روانی، خود حاکی از تفاوت حکم معتوه (همچون مجنون) در این دو دوره است و معتوه فقط در دوره افاقه، محکوم به تحمل کیفر می‌شود.

در توجیه سوم نیز شخصی که کاملاً از قوای عقلانی تهی نشده است، را داخل در معنای مجنون و معتوه به حساب می‌آورد.

در بررسی مفهوم جنون و به منظور کشف تشکیکی بودن آن، بعد از توجه به مباحث پیرامون حدیث امام صادق (ع) می‌توان به دو دلیل فقهی مهم دیگر که در آثار فقهی استنادشده است، اشاره کرد:

– استفاده از شرط «کمال عقل» در بیان شرایط وجوب مجازات و صحت عبادات و عقود و ایقاعات.

اشترای عقل برای صلاحیت مخاطب شارع قرار گرفتن و مکلف به اطاعت از اوامر و نواهی او شدن، یکی از مشخص‌ترین اصول فقهی اسلامی (تشیع و اهل سنت) است. در فقه شیعه در آثار زیادی به جای واژه عقل، از واژه «کمال عقل» استفاده شده است. عالمان بزرگی چون ابن زهره، محقق حلی، علی بن محمد قمی، علامه حلی، شهید ثانی، حائری طباطبایی و محمد تقی شوشتری در مباحث مختلف اعم از حدود، قصاص و بعض عبادات و عقود، به شرطیت کمال عقل تأکید کرده‌اند (ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷، مبحث قذف و قصاص: ۴۲۷ و ۴۰۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، مبحث قذف، زنا و قصاص، ج ۴: ۱۵۲ و ۱۳۸ و ۲۰۰؛ ۱۴۱۸، مبحث قصاص، ج ۲: ۲۹۷؛ مؤمن سبزواری، ۱۴۲۱، مبحث قصاص: ۵۵۱؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، مبحث قذف، ج ۲: ۲۳۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، مبحث قذف و زنا، قتل، ج ۱۴: ۳۳۸، ۴۳۵، ۴۳۸ و ج ۱۵: ۱۶۱؛ ۱۴۱۰، مبحث قصاص، ج ۲: ۴۰۷؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، مبحث قذف و قصاص، ج ۲: ۴۸۰ و ۵۱۲؛ محمد تقی شوشتری، ۱۴۰۶، مبحث قصاص، ج ۱۱: ۲۶۷). حتی مرحوم محقق و شهید ثانی در مبحث زنا، مرحوم طباطبایی در مبحث قصاص، همچنین صاحب جواهر و شهید ثانی در بحث قذف، بر اشتراط کمال عقل ادعای اجماع کرده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۱۳۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۴: ۳۳۸ و ۴۳۵؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ج ۲: ۵۱۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱: ۴۱۳).

کاملاً واضح است که میان شرط «عقل» و «کمال عقل» تفاوت بسیاری وجود دارد. قابلیت تشکیک‌پذیر بودن و برخورداری از درجات مختلف برای یک مفهوم، شرط اتصاف آن مفهوم به صفت کمال است.^۱

۱. شایسته توجه است که گزینش رکن عقل به جای کمال عقل از طرف فقیه، به معنای اراده معنایی بسیط و خاص گونه از لفظ جنون نیست، برای مثال در کتاب کشف اللثام یکی از لوازم اجرای حد قذف برخورداری از عقل در شخص تهمت زنده است، اما در ادامه مباحث خود، تأدیب را در حق مجنونی که امید به بازدارندگی مجازات در او به سبب برخورداری از درک وجود دارد ثابت می‌داند. (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۰: ۵۲۴). نکته‌ای

- دلیل دیگر بر تشکیکی بودن مفهوم جنون، تعیین حکم تعزیر^۱ برای دیوانه در صورت ارتکاب جرایم است؛

از زمان محقق حلی در مبحث مجازات مجرم دیوانه و نابالغ با تعیین عقوبت تعزیر یا تأدیب مواجه می‌شویم، در حالی که در رفع تکلیف این اشخاص تردیدی در میان نیست. در شرح تبصره المتعلمین در مبحث حد قذف درباره این حکم آمده است: «اگر کودک نابالغ و یا دیوانه‌ای به کسی نسبت زنا یا لواط دهند، حکم آن است که حد الهی ندارند، چون مکلف نیستند، ولی تعزیر می‌شوند...» (عراقی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۴۱۱).

اما سؤال اساسی در این زمینه به چرایی اثبات عقوبت تعزیر برای دیوانه مربوط است، در حالی که به تصریح عقل و نقل هرگونه مجازات از او رفع شده است؛ چگونه در حق شخصی به وجوب مجازات حکم دهیم، در صورتی که مهم‌ترین شرط تکلیف و مسئولیت‌پذیری، یعنی برخورداری از قدرت عقل، درک و تمییز را ندارد؟

بله، حکم تعزیر مجنون در فقه به شرط داشتن شعور لازم در مجنونِ خطاکار به جهت تأثیر ادب کردن در او و بازداشتن از ارتکاب دوباره حرام معین شده است. تعزیر مجنون با قید تمییز دیوانه معلل به لزوم دفع ماده فساد است، وگرنه نصی در مورد وجوب تعزیر مجنون نداریم (طباطبایی حایری، ۱۴۱۸، ج ۲: ۴۸۰).

در آثار فقهی بعد از حکم به تأدیب مجنون، غالباً از جملات زیر برای تعیین شخص لایق این مجازات استفاده شده است:

- اگر از کسانی باشد که امید به بازدارندگی و کف نفس به وسیله تأدیب در او وجود دارد (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۰: ۵۲۴؛ طباطبایی حایری، ۱۴۱۸، ج ۲: ۴۸۰)؛

که برای رفع ابهام و تردید شایان ذکر است، عدم اراده دو شرط بلوغ و عقل از عنوان کمال عقل است، زیرا در تمامی کتاب‌های شاهد مثال، رکن بلوغ در کنار کمال عقل و به صورت مجزا ذکر شده‌اند.

۱ تعزیر در لغت به معنای تأدیب کمتر از میزان حد (ابن‌اثیر، بی‌تا، ج ۳: ۲۲۸؛ لسان العرب، ج ۴: ۵۶۲) و در اصطلاح عقوبتی است که در اصل شرع مقدارش مشخص و معین نشده است (از جمله: محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۱۳۶؛ کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۳، ج ۳: ۵۵؛ طباطبایی حایری، ۱۴۱۸، ج ۱۵: ۴۳۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۸: ۱۰).

- مجنون در صورت داشتن شعور نسبت به تأدیب، بر اساس نظر حاکم تأدیب می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۴: ۴۰۳؛ بهجت، ۱۴۲۶، ج ۵: ۲۹۱)؛
- بر اساس صلاحدید حاکم تأدیب می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۳۶۶)؛
- اگر تعزیر در او تأثیرگذار است تعزیر می‌شود (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۳۷۵)؛
- اگر امید به انزجار مجنون از عمل می‌رود تأدیب می‌شود (جزایری، بی‌تا: ۸۶)؛
- اگر تأدیب در بعضی مراتب جنون برای جلوگیری از ادامه این‌گونه امور مؤثر است، بر علیه آنها تعزیر ثابت است (بهجت، ۱۴۲۶، ج ۵: ۲۹۸)؛
- تعزیر قاذف با قید تمیز او وارد شده است (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۷: ۱۰۰).
- اشتراط «قدرت تمییز» برای مجنون حاکی از اختلاف انواع و کیفیت جنون عارض بر انسان است، حتی آیت‌الله بهجت به صراحت، تعزیر در بعضی مراتب جنون را که امید به تأثیر تأدیب (به جهت دارا بودن از حداقل درک و شعور) در او می‌رود، ثابت می‌داند.
- در این زمینه روایتی نیز از اصبح بن نباته به نقل از امیر مؤمنان (ع) بیان شده است که حضرت شخص مجنونی را به جهت زنا تعزیر کردند. این روایت توسط شیخ کلینی و شیخ طوسی نقل شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۲۶۵؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰: ۵۰).
- صاحب وسایل این روایت را حمل بر باقی ماندن فی الجمله شعور در مجنون کرده و این مطلب حاکی از تصور مراتب برای جنون است. روایت به جهت ارسال از نظر سندی اشکال دارد،^۱ لیکن تحلیل این بزرگوار در مورد محتوایست و برای بحث ما کاربرد دارد.

جنون از منظر صاحب نظران اهل سنت

مصادر حدیثی و علمای متقدم اهل سنت نیز تعریف علمی خاصی از جنون ارائه نداده‌اند، بلکه در لابه‌لای ذکر حدیث یا مسئله‌ای، با تعبیری مختصر به توضیح این مفهوم پرداخته

۱. با وجود ضعف سند، در آثار زیادی به آن استناد شده است، از جمله: محقق حلی، ۱۴۱۲، ج ۳: ۲۹۱؛ گلپایگانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۸۶؛ شوشتری، ۱۴۰۶، ج ۱۱: ۳۱).

شده است؛ گویا مفهوم جنون را بدیهی تلقی کرده‌اند و اهتمام خود را بیشتر به بیان احکام آن معطوف داشته‌اند.

شافعی (م ۲۰۴ ق)، در باب دیه قاتل مجنون از تعبیر «المغلوب علی عقله» برای مجنون استفاده کرده است (شافعی، ج ۶: ۳۰). در آثار حدیثی متقدم دیگری چون سنن الکبری، المستدرک، سنن الدار القطنی، عمدۀ القاری و ... نیز این تعبیر مشاهده می‌شود (دارقطنی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۱۰۲؛ نسایی، ۱۴۱۱، ج ۴: ۳۲۳؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۱: ۲۵۸ و ج ۲: ۵۹؛ عینی، بی تا، ج ۲۰: ۲۵۴) اما همگی در ضمن نقل ابن عباس از ماجرای سنگسار زن زناکار دیوانه توسط عمر بیان شده است. جایی که امیر مؤمنان (ع) با بیان حدیث «رفع القلم» از انجام دادن این امر اشتباه جلوگیری کردند. این ماجرا با نقل‌های فراوانی ذکر شده و در نقل ابن عباس از قول حضرت علی (ع) «رفع القلم عن المجنون المغلوب علی عقله» بیان شده است.

حاشیه‌ها و شروحاتی که بعدها برای این کتاب‌های حدیثی نگاشته و سبب بسط و گسترش هرچه بیشتر علم فقه و اصول شد نیز در تعریف جنون تفاوت چشمگیری نداشت.

سیوطی (م ۹۱۱ ق) به نقل از ابواسحاق، جنون را به معنای «زوال عقل» تعریف کرده است (سیوطی، ۱۴۱۱: ۲۳۳).

ابن نجیم (م ۹۷۰ ق) نیز از جنون به «اختلال در عقل» تعبیر می‌کند (ابن نجیم، بی تا، ج ۳: ۲۶۸).

ابوالقاسم رافعی (م ۶۳۲ ق) در شرح الوجیز از جنون به «فنون» تعبیر می‌کند (مقدسی، ۱۴۱۷، ج ۱۰: ۱۵۲).

از میان آثار فقهی معاصر، «قاموس الفقهی» نیز همانند معظم فقها از جنون به «زوال و فساد عقل» و «آفتی که عقل را سلب می‌نماید» تعبیر می‌کند (سعدی، ۱۴۰۸: ۷۰ - ۶۹).

با اندکی تأمل در توضیحات فقهای عامه مشخص می‌شود که تعریف جنون حدود مشخصی ندارد. هر یک از فقها مطابق نظر خود و البته با تأیید عرف، توضیحاتی پیرامون

این مفهوم بیان داشته‌اند که سبب شرح و تفصیل معنای آن می‌شود. هرچند، هر کدام از این تعریف‌ها جوهره مشترکی دارند که همان «فقدان عقل و ادراک» است. همان‌طور که در تمام احکام عبادی و کیفری، شرط اول مکلف بودن، «کمال» (بلوغ و عقل) است. می‌توان تعریف‌های اهل سنت را در دو دسته کلی جای داد که برخی از آنها به جنون به‌عنوان مفهومی خاص و برخی به‌عنوان مفهوم عام نظر دارند.

در دسته اول، تعریف‌های ذکرشده از مفهوم جنون، با عناوین زوال، فساد یا تباهی عقل و تعطیلی قوای ادراکی قرار دارد (سیوطی، ۱۴۱۱: ۲۳۳؛ سعدی، ۱۴۰۸: ۶۸؛ کرم، ۱۴۰۷: ۱۷۳؛ النملة، ۱۴۲۰، ج ۱: ۳۳۲؛ موسوعه الفقهیه الكويتیه، ۱۴۲۷ - ۱۴۰۴، ج ۸: ۷۶). در تمام این عناوین معنای از بین رفتن کامل عقل و ادراک از جنون اراده شده است. پس جنون در این معنا واژه‌ای با معیار و مفهوم مشخص تعریف می‌شود که واژه‌های دیگری چون معتوه، قسیم آن محسوب می‌شوند؛

در دسته دوم تعریف‌های عام‌تری ذکر شده است که بعضی این تعریف‌های عام گونه عبارتند از:

- **مغلوب علی عقله:** شخصی که قوای عقلانی او شکست خورده و مغلوب شده است (دارقطنی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۱۰۲؛ نسایی، ۱۴۱۱، ج ۴: ۳۲۳؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۱: ۲۵۸ و ج ۲: ۵۹؛ عینی، بی‌تا، ج ۲۰: ۲۵۴).

- اختلال عقل

تعریف‌های مذکور دایره مصادیق مجنون را به تمام عارضه‌های عقلی مانع مسئولیت و مجازات تعمیم می‌دهد.

تعریف‌های ارائه‌شده از منظر اهل سنت در موضوع مجنون و مفاهیمی چون معتوه، احمق، خرف و ... که وابستگی جدایی‌ناپذیری در تبیین حقیقت جنون دارد، یکرنگی و اتفاق نداشته و حتی در بعضی موارد متناقض است.

موضوع معتوه از جمله مباحثی است که در تفسیر معنا و تعیین محدوده آن اختلاف نظر بسیاری در فقه عامه مشاهده می‌شود.

مهم‌ترین نکته در تبیین و درک صحیح مفهوم عته یا معتوه، کشف معنایی عام و فراگیر با جوهره نقصان عقل است که شاید در موارد مختلف، مترادف و جایگزین واژگانی چون دیوانه، احمق، ابله، سفیه به معنای عام متداول در عرف و عقب‌مانده ذهنی شود.

در منابع فقه اهل سنت پرکاربردترین معنا برای این واژه، مفهوم «ناقص‌العقل» است (مظهری، ۱۴۳۳، ج ۴: ۱۰۳؛ ابن‌الملک، ۱۴۳۳، ج ۴: ۳۰؛ کرمانی، ۱۴۰۱، ج ۱۹: ۱۹۵؛ ابن‌الملقن، ۱۴۲۹، ج ۲۵: ۲۹۱؛ قسطلانی قطیبی، ۱۳۲۳، ج ۸: ۱۴۶؛ سنیکوی مصری، ۱۴۲۶، ج ۸: ۴۵۸؛ افندی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۶۵۷؛ ابن‌عابدین، ۱۴۱۲، ج ۶: ۲۹۷؛ زیلعی حنفی، ۱۳۱۳، ج ۵: ۱۹۳؛ برماوی، ۱۴۳۳، ج ۱۳: ۳۹۵؛ عینی، بی‌تا، ج ۲: ۲۵۵؛ لاعی مغربی، ۱۴۱۴، ج ۸: ۷۹؛ ابومالک، ۲۰۰۳، ج ۳: ۲۳۷).

در اکثر قریب به اتفاق کتاب‌های فقهی اهل سنت، کشف رابطه دو مفهوم جنون و عته و تعیین مرز هر یک، در تعریف معتوه و تفسیر روایات مربوط به معتوه، از اهداف اصلی فقها و مؤلفان است؛ در گروهی از کتاب‌ها معتوه با ملاک مجنون و رابطه با آن سنجیده می‌شود. در این زمینه چهار قول وجود دارد:

- گروهی معتوه را همان «مجنون» می‌دانند و شمول هر یک از این دو کلمه نسبت به مصادیقش را مساوی با یکدیگر می‌گیرند (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۹۰، ج ۳: ۵۰۷ و ج ۷: ۵۷۰؛ کشناوی، بی‌تا، ج ۲: ۱۵۲؛ ساعاتی، بی‌تا، ج ۱۷: ۱۳؛ عینی، ۱۴۲۹، ج ۱۶: ۳۵۶؛ ابن‌صلاح حسنی، ۱۴۳۲، ج ۸: ۱۸۸؛ حدادی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۲۱۵؛ ۱۳۵۶، ج ۵: ۲۶؛ عظیم‌آبادی، ۱۴۱۵، ج ۹: ۲۰۸؛ مبارکفوری، به نقل از جزری، ۱۴۲۴، ج ۴: ۳۱۱؛ طیبی، ۱۴۱۷، ج ۷: ۲۳۴۵). دلیل اکثر قائلان به این نظریه هم استدلال به روایت رفع القلم و روایت عدم جواز طلاق معتوه است. در بعضی آثار نیز هرچند در تعریف معتوه این مماثلت را ذکر نکرده‌اند، در بیان احکام، لفظ معتوه و مجنون را به‌جای یکدیگر به‌کار برده‌اند (سعدی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۶۴۲)؛

- عده دیگری معتقدند که این دو مفهوم دقیقاً به یک معنا و از نظر مصادیقی مساوی یکدیگر نیستند، بلکه معتوه از «درجات خفیف» مجنون بوده و مجموعه‌ای ذیل مجنون است (کشمیری، بی‌تا، ج ۵: ۵۸۵؛ ابوحارث، ۱۴۱۶: ۲۲۶؛ رملی، قول ماتن، ۱۴۰۴، ج ۱: ۳۹۳ و ج ۵: ۱۸)؛

- گروه سوم معنای «ناقص العقل» و «مختل العقل» را برای معنوه برگزیده، و آن را به کلی جدای از مجنون و قسیم آن می‌دانند (بخاری حنفی، بی‌تا، ج ۳: ۲۰ و ج ۴: ۱۶۲؛ رفعت عثمان، ۱۴۱۵: ۳۴۳؛ رملی، قول شارح، ۱۴۰۴، ج ۵: ۱۸؛ ابن‌عابدین، ۱۴۱۲، ج ۶: ۲۹۷؛ بهوتی حنبلی، بی‌تا، ج ۴: ۱۷۸)؛

- گروه چهارم همان معنای «ناقص العقل» را برگزیده‌اند، لیکن معتقدند که معنوه با توجه به مفهوم عامی که دارد، شامل مجنون، طفل و سکران هم می‌شود (قرطبی ظاهری، بی‌تا، ج ۹: ۴۷۵؛ طحاوی، ۱۴۱۷، ج ۱۲: ۲۴۵؛ ۱۴۱۷، ج ۲: ۴۳۲؛ قسطلانی قطیبی، ۱۳۲۳، ج ۸: ۱۴۶؛ عینی، بی‌تا، ج ۲۰: ۲۵۵؛ ابومالک، ۲۰۰۳، ج ۳: ۲۳۷؛ لاعی مغربی، ۱۴۱۴، ج ۸: ۷۹؛ سنیکسی مصری، ۱۴۲۶، ج ۸: ۴۵۸؛ برماوی، ۱۴۳۳، ج ۱۳: ۳۹۵؛ مبارکفوری، به نقل از جاحز، ۱۴۲۴، ج ۴: ۳۱۱).

اندکی دقت در جایگاه عته و معنوه در فقه اهل سنت، به‌خوبی بیانگر تشتت آرا و عدم دستیابی به نظر جامعی در این مبحث است. آنچه بعد از تحقیق پیرامون این مفهوم در تمامی مذاهب اسلامی به‌دست آمد، اراده معنایی عام و گسترده از معنوه است که با شمولش می‌تواند شامل دیوانگان و غیر آنها از افراد مبتلابه نقصان عقل شود. آگاهی از این مطلب به حل تعارض نظریات مختلف در این زمینه منجر می‌شود.

مهم‌ترین تعریف تفصیلی که از جنون در کتاب‌های اهل سنت به چشم می‌خورد، بیانگر اراده معنایی عام از جنون است. در این تعریف، جنون اختلال قوه تمیزدهنده بین امور نیک و قبیح است؛ به این معنا که در مجانین آثار این قوه ظاهر نمی‌شود و افعال آن تعطیل می‌شود؛ و این اختلال به منع جریان افعال و اقوال مطابق سلوک عقل، به‌جز در موارد نادر منجر می‌شود (ابن‌عابدین، ۱۴۱۲، ج ۳: ۲۴۳؛ النملة، ۱۴۲۰، ج ۱: ۳۳۲؛ شاذلی، بی‌تا: ۲۸۹؛ تفتازانی، بی‌تا، ج ۲: ۳۳۳).

این معنا از جنون هم شامل زوال عقل می‌شود، هم ضعف و نقصان عقل؛ علمایی همچون ابوالقاسم رافعی که تعریف مذکور از جنون را پذیرفته‌اند، از جنون به فنون تعبیر می‌کنند (مقدس، ۱۴۱۷، ج ۱۰: ۱۵۲).

مهم‌ترین ویژگی جنون در این معنا عدم ادراک و تمیز در تمام جنبه‌های مغزی یا بعضی آنهاست، لذا تنها به زوال و فساد عقل محصور نمی‌شود. در این تعریف رفع تکلیف منوط به فقدان ادراک در زمینه همان تکلیف است، حال این انعدام ادراک به سبب آفتی عقلی باشد که قوه درک را به کلی از بین ببرد یا اینکه این اختلال و آفت سبب نقصان ادراک و تمیز شود.

نتیجه‌گیری

۱. در نگاه ابتدایی به مباحث و مطالعات تحقیقی مرتبط با حقوق مجانین این‌گونه به نظر می‌رسد که قانون در زمینه بیماران روانی وظیفه خود را به نحو کامل انجام نداده و اراده مفهوم جنون به عنوان رافع مسئولیت قانونی، مبهم و ناکافی است. نتیجه مطالعه تطبیقی پیش‌رو و یافته متمایز آن از سایر مطالعات (با توجه به مطالعه تفصیلی مفهوم جنون در فقه فریقین و کشف وضوح معنای مراد فقه از جنون) عدم قصور قانون مصوب است؛ کتاب قانون بر اساس فقه اسلامی شکل گرفته و با تکیه به فقه اسلام از جایگاه کلیدی عنوان جنون، به منظور ملاک رفع مجازات استفاده کرده است. این مفهوم با وجود گستردگی معنایش در مطالعات علوم مختلف و در تعاملات روزمره، در فقه جزایی به خصوص فقه شیعه، معنای مشخص و معینی دارد. با توجه به وضوح معنای فقهی جنون، و با وجود اختصار لازم در تمامی کتب قانونی، کتاب قانون هیچ‌گونه کوتاهی در تبیین جایگاه بیماران روانی ندارد و با اصلاحات ایجادشده در قانون مصوب سال ۱۳۹۲ دیدگاه خود در این زمینه را با تعریف و تفسیر ملاک جنون در فقه (که همان فقدان ادراک و قوه تمیز در محدوده جرم ارتكابی است) تبدیل به احسن کرده و ابهامی برای قاضی حاکم قانون‌های اسلامی ایجاد نکرده است؛

۲. بیشتر تعریف‌های واژه جنون در فقه تشیع به صورت کلی بر قدر مشترک فساد عقل دلالت دارند. استفاده از جملاتی مانند «علی‌ای وجه کان»، «کیف اتفق» و «بأی وجه اتفق» در کنار تعریف جنون، به علاوه تأکید تعداد زیادی از فقها به دارای انواع و مراتب بودن جنون،^۱ حکایت از تشکیکی دانستن جنون و اراده معنایی عام از این لفظ است.

۱. استفاده از تعبیر "الجنون فنون" در کنار تعریف جنون در تعداد زیادی از آثار مشاهده می‌شود.

عبارات توضیحی فقها در جای جای مباحث فقهی حاکی از اراده معنایی عام از لفظ مجنون به صورت کاملاً یکپارچه و بدون اختلاف است و این معنا عبارت است از: هر نوع عارضه درونی که سبب اختلال (از بین رفتن و نقصان) در قوای عقلانی و قوه تمیز شود، و به عملکرد نامتعارف، بیمارگونه و غیرمطابق با درک و تمیز منجر شود.

از جمله دلایل مستفاد از اراده این معنا و دخول افراد ناقص العقل در مفهوم جنون، استفاده از شرط «کمال عقل» در بیان شرایط وجوب مجازات و صحت عبادات و عقود و ایقاعات، تعیین حکم تعزیر دیوانه در صورت ارتکاب جرایمی چون سرقت، قذف، زنا و ... با قید تأثیر تأدیب در دیوانه و در نتیجه برخورداری از میزان مورد نیاز درک برای تأدیب و تمسک به عرف است؛

۳. آنچه از تحقیق پیرامون آثار فقهی مذاهب اهل سنت در این باب حاصل می‌شود، کشف اراده معنایی عام و خاص از واژه جنون و مجنون است.^۱ پرکاربردترین تعریف تفصیلی جنون ارائه‌دهنده مفهوم عامی از جنون است؛ در این تعریف، جنون اختلال قوه تمیزدهنده بین امور نیک و قبیح است؛ به این صورت که آثار این قوه ظاهر نمی‌شود و افعال آن تعطیل می‌شود و این اختلال به منع جریان افعال و اقوال مطابق سلوک عقل (مگر در موارد نادر) منجر خواهد شد. در این تعریف رفع تکلیف عبادی یا کیفری منظور، به فقدان ادراک در زمینه همان تکلیف منوط است، حال این انعدام ادراک به سبب آفتی عقلی باشد که قوه درک را صد درصد از بین ببرد یا اینکه این اختلال و آفت، سبب نقصان ادراک و تمیز شود.

۱. مفهوم خاص جنون به فساد کامل قوای عقلانی و مفهوم عام آن، به اختلال در ادراک و عقل دلالت دارد.

کتابنامه

١. آل عصفور بحرانی، حسین بن محمد (١٤١٠ ق). *عیون الحقائق الناظرة فی تسمیم الحدائق*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٢. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (١٣٩٠ ق). *جامع الأصول فی أحادیث الرسول*، عبد القادر الأرئووط، بشیر عیون، بی جا: مکتبۃ الحلوانی، مطبعة الملاح، مکتبۃ دارالبيان.
٣. _____ (بی تا). *النهایه فی غریب الحدیث والأثر*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
٤. ابن زهره حلبی، حمزه بن علی (١٤١٧ ق). *غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع*، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
٥. ابن عابدین، محمد امین بن عمر بن عبدالعزیز (١٤١٢ ق). *الدر المختار و حاشیة ابن عابدین*، بیروت: دارالفکر.
٦. ابن الملقن، سراج الدین أبو حفص عمر بن علی (١٤٢٩ ق). *التوضیح لشرح جامع الصحیح*، دارالفلاح للبحث العلمی و تحقیق التراث، دمشق: دارالنوادر.
٧. ابن الملک، محمد بن عزالدین (١٤٣٣ ق). *شرح المصابیح*، جمعی از محققان تحت اشراف نورالدین طالب، بی جا: إدارة الثقافة الإسلامیة.
٨. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین (١٤١٤ ق). *لسان العرب*، احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت: دارصادر، دارالفکر.
٩. ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم (بی تا). *البحر الرائق فی شرح کنز الدقائق*، بیروت: دارالکتاب الإسلامی.
١٠. ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا (١٤٠٤ ق). *معجم مقاییس اللغة*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۱۱. ابومالک، کمال بن السید سالم (۲۰۰۳). صحیح فقه السنة و ادلته و توضیح مذاهب الائمة، مصر: المكتبة التوفيقية.
۱۲. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ ق). مجمع الفائدة و البرهان، مجتبی عراقی، علی پناه اشتهاودی، حسین یزدی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. افندی، علی حیدر خواجه امین (۱۴۱۱ ق). درر الاحکام فی شرح مجلة الاحکام، بی جا: دارالجيل.
۱۴. البرماوی، شمس الدین أبو عبدالله محمد بن عبدالدائم (۱۴۳۳ ق). الالامع بشرح جامع الصحیح، سوریه: دارالنوادر.
۱۵. بحرانی، محمد (۱۴۲۳ ق). سند العروة الوثقی، کتاب الحج، احمد الماجد، حسن آل عصفور، بیروت: مؤسسه أم القرى للتحقیق و النشر.
۱۶. بخاری حنفی، عبدالعزیز بن احمد (بی تا). کشف الانرار شرح اصول البزودی، بی جا: دارالکتب الاسلامی.
۱۷. بهاء الدین مقدسی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۱۷ ق). العزیز شرح الوجیز شرح الکبیر، علی محمد عوض، عادل أحمد عبدالموجود، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۸. بهجت فومنی، محمد تقی (۱۴۲۶ ق). جامع المسائل بهجت، قم: دفتر حضرت آیت الله.
۱۹. بهوتی حنبلی، منصور بن یونس (بی تا). کشف القناع عن متن الاقناع، بی جا: دارالکتب العلمیه.
۲۰. تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر (بی تا). شرح التلویح علی التوضیح، مصر: مكتبة صبیح.
۲۱. جزائری، عبدالله بن نورالدین (بی تا). التحفة السنیة، علیرضا ریحان مدرس، تهران: محقق کتاب.
۲۲. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ ق). المستدرک علی الصحیحین، مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.

٢٣. حدادی، محمدبن تاج العارفين (١٣٥٦ ق). *فيض القدير شرح جامع الصغير*، مصر: المكتبة التجارية الكبرى.

٢٤. _____ (١٤٠٨ ق). *التيسير بشرح الجامع الصغير*، رياض: مكتبة الإمام الشافعي.

٢٥. حر عاملی، محمدبن حسن (١٤٠٩ق). *وسائل الشيعة*، قم: مؤسسه آل البيت(ع).

٢٦. حسنی، محمدبن اسماعيل بن صلاح (١٤٣٢ ق). *التنوير شرح جامع الصغير*، محمد اسحاق محمد ابراهيم، رياض: مكتبة دارالسلام.

٢٧. حفناوی، منصور محمد منصور (١٤٠٦ ق). *الشبهات واثرها في العقوبة الجنائية في الفقه الاسلامي مقارنا بالقانون*، بی‌جا: مطبعة الامانة.

٢٨. حلی، فخرالمحققين محمدبن حسن بن يوسف (١٣٨٧ ق). *إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد*، حسين موسوی کرمانی، علی پناه اشتهاردی، عبدالرحيم بروجردی، قم: مؤسسه اسماعيليان.

٢٩. حلی سیوری، مقدادبن عبدالله (١٤٠٤ ق). *التنقيح الرابع لمختصر الشرايع*، عبد اللطيف حسینی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

٣٠. خوانساری، احمد (١٤٠٥ ق). *جامع المدارك في شرح مختصر النافع*، علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه اسماعيليان.

٣١. دارقطنی، علی بن عمر (١٤١٧ ق). *سنن الدار القطنی*، محمدبن منصور سید الشوری، بیروت: دارالکتب العلمیه.

٣٢. دهخدا، علی اکبر (١٣٤٥). *لغتنامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.

٣٣. رملی، محمدبن أبی العباس (١٤٠٤ ق). *نهاية المحتاج الى شرح المنهاج*، حاشیه شبراملسی و مغربی، بیروت: دارالفکر.

٣٤. زیلعی حنفی، فخرالدین عثمان بن علی (١٣١٣ ق). *تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق وحاشیه الشلبی*، حاشیه شهاب‌الدین احمدبن محمد شلبی، قاهره: المطبعة الكبرى الأميرية.

۳۵. ساعاتی، احمد بن عبدالرحمن (بی تا). *الفتح الربانی لترتیب مسند الامام احمد بن حنبل*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۳۶. سعدی، ابو حیب (۱۴۰۸ ق). *القاموس الفقہی لغتاً و اصطلاحاً*، دمشق: دارالفکر.
۳۷. سعدی، ابوالحسن علی بن الحسین (۱۴۰۴ ق). *النتف فی الفتاوی*، صلاح الدین الناهی، اردن: مؤسسه الرساله.
۳۸. سنیکی مصری، زکریا بن محمد (۱۴۲۶ ق). *تحفه الباری، منحه الباری شرح صحیح بخاری*، ریاض: مکتبه الرشد.
۳۹. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (۱۴۱۱ ق). *الاشباه والنظائر فی القواعد وفروع الشافعیه*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۰. الشاذلی، حسن علی (بی تا). *الجنایات فی الفقه الاسلامی دراسة مقارنة بین الفقه الاسلامی و القانون*، بی جا: دارالکتب الجامعی.
۴۱. شافعی، ابو عبدالله محمد بن ادیس (۱۴۰۳ ق). *کتاب الام*، بیروت: دارالفکر.
۴۲. شوشتری، محمد تقی (۱۴۰۶ ق). *النجعة فی شرح اللمعة*، تهران: کتابفروشی صدوقی.
۴۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ ق). *الروضه البیہ فی شرح اللمعه دمشقیه*، کلانتر، محمد، قم: کتابفروشی داوری.
۴۴. _____ (۱۴۱۳ ق). *مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۴۵. شهید صدر، محمد (۱۴۲۰ ق). *ما وراء الفقه*، جعفر هادی دجیلی، بیروت: دارالأضواء للطباعة و النشر و التوزيع.
۴۶. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق). *تهذیب الاحکام*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۴۷. _____ (۱۴۰۰ ق). *النهايه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، بیروت: دارالکتب العربی.

٤٨. صاحب‌بن عباد، اسماعیل بن عباد (١٤١٤ق). *المحيط في اللغة*، محمد حسن آل ياسين، بيروت: عالم الكتاب.
٤٩. صانعی، پرویز (١٣٨٢). *حقوق جزای عمومی*، تهران: طرح نو.
٥٠. طباطبایی حایری، علی بن محمد (١٤١٨ق). *رياض المسائل في تحقيق الاحكام بالدلائل*، قم: مؤسسه آل البيت.
٥١. طحاوی، أبو جعفر أحمد بن محمد (١٤١٥ق). *شرح مشكل الآثار*، شعيب الأرنؤوط، بی‌جا: مؤسسه الرسالة.
٥٢. _____ (١٤١٧ق). *مختصر اختلاف العلماء*، عبدالله نذیر أحمد، بیروت: دارالبشائر الإسلامية.
٥٣. طیبی، شرف‌الدین الحسین بن عبدالله (١٤١٧ق). *شرح المشكاة للطیبی الکاشف عن حقائق السنن*، عبدالحمید هنداو، مکه: مکتبه نزار مصطفى الباز.
٥٤. عثمان، محمد رفعت (١٤١٥ق). *النظام القضایی في فقه الاسلامی*، بی‌جا: دارالبيان.
٥٥. عراقی، آغا ضیاء‌الدین (١٤١٤ق). *شرح تبصرة المتعلمین*، محمد حسون، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٥٦. عظیم‌آبادی، محمد أشرف بن أمير. (١٤١٥ق). *عون المعبود و حاشیه ابن القیم*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
٥٧. علامه حلی، حسن بن یوسف (١٤٢٠ق). *تحریر الاحکام الشریعة علی مذهب الامامیة*، قم: مؤسسه امام صادق(ع).
٥٨. علامه مجلسی، محمد باقر (١٤١٠ق). *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
٥٩. العینی، أبو محمد محمود بن أحمد (بی‌تا). *عمدة القاری فی شرح الصحیح البخاری*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
٦٠. _____ (١٤٢٩ق). *نخب الأفكار فی تنقیح مبانی الأخبار فی شرح معانی الآثار*، أبو تمیم یاسر بن إبراهیم، قطر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية.

۶۱. غزی ابوالحارث، محمد صدقی بن أحمد (۱۴۱۶ ق.). *الوجیز فی ایضاح قواعد الفقه الکلیه*، بی جا: مؤسسه الرساله.
۶۲. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۲ ق.). *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، الحدود، حسین واثقی، عبادالله سرشار، محمد علی مقدادی، مرتضی واعظی، محمد مهدی مقدادی، محسن اسدی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار(ع).*
۶۳. فاضل هندی، محمد (۱۴۱۶ ق.). *کشف اللثام و الإیهام عن قواعد الأحکام*، گروه پژوهش انتشارات اسلامی، قم: دفتر انتشارات.
۶۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق.). *کتاب العین*. مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، قم: نشر هجرت.
۶۵. قرشی، علی اکبر (۱۴۱۲ ق.). *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶۶. قرطبی ظاهری، ابو محمد علی بن أحمد (بی تا). *المحلی بالاثار*، بیروت: دارالفکر.
۶۷. قسطلانی قطیبی، أحمد بن محمد (۱۳۲۳ ق.). *ارشاد الساری، شرح صحیح بخاری*، مصر: المطبعة الکبری الأمیریة.
۶۸. قندهاری، محمد آصف محسنی (۱۴۲۴ ق.). *الفقه و مسائل الطیبه*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۶۹. کاشف الغطاء، احمد بن علی (۱۴۲۳ ق.). *سفینه النجاه و مشکاة الهدی و مصباح السعادة*، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
۷۰. کرم، عبدالواحد (۱۴۰۷ ق.). *معجم المصطلحات القانونیه*، بیروت: مکتبه النهضه العربیه.
۷۱. کرمانی، محمد بن یوسف (۱۴۰۱ ق.). *الکواکب الدراری فی شرح صحیح بخاری*، بیروت: دارالإحیاء التراث العربی.
۷۲. کشمیری هندی، محمد انور (بی تا). *فیض الباری علی الصحیح البخاری*، محمد بدر عالم المیرتهی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷۳. کشناوی، أبوبکر بن حسن بن عبدالله (بی تا). *اسهل المدارک، شرح إرشاد السالک فی مذهب إمام الأئمة مالک*، بیروت: دارالفکر.

۷۴. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق.). *الکافی*، علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷۵. گلپایگانی، محمد رضا (۱۴۱۲ ق.). *الدر المنضود فی أحكام الحدود*، با تقریر کریمی جهرمی، قم: دارالقرآن.
۷۶. گودرزی، فرامرز؛ مهرزاد کیانی (۱۳۸۰). *اصول طب قانونی و مسمومیت‌ها*، تهران: روزنامه رسمی کشور.
۷۷. اللاعی مغربی، حسین بن محمد بن سعید (۱۴۱۴ ق.). *البدر التمام شرح بلوغ المرام*، علی بن عبدالله الزین، بی‌جا: دارهجر.
۷۸. مبارکفوری، ابوالعلا محمد عبدالرحمن (۱۴۲۴ ق.). *تحفه الأحمدي بشرح جامع الترمذی*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷۹. مجلسی اول، محمد تقی (۱۴۰۶ ق.). *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، حسین موسوی کرمانی، علی پناه اشتهاردی، فضل الله طباطبایی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
۸۰. محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴ ق.). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
۸۱. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق.). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، ترجمه جعفر بن حسن، عبدالحسین محمد علی بقال، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۸۲. _____ (۱۴۱۸ ق.). *المختصر النافع فی فقه الامامیه*، قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة.
۸۳. _____ (۱۴۱۲ ق.). *نکت النهایه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸۴. مظهری، حسین بن محمود (۱۴۳۳ ق.). *المفاتیح فی شرح المصابیح*، کویت: دارالنوادر.
۸۵. ملک‌زاده، فهیمه (۱۳۸۹). *اصطلاحات تشریحی حقوق جزا*، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجلد.

۸۶. موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۴۲۷ ق). *فقه الحدود و التعزیرات*، قم: مؤسسه النشر لجامعه المفید.

۸۷. مؤمن سبزواری، علی (۱۴۲۱ ق). *جامع الخلاف والوفاق بین الائمة الحجاز والعراق*، حسین حسنی بیرجندی، قم: زمینه سازان ظهور امام عصر(ع).

۸۸. میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ ق). *جامع الشتات فی اجوبه السؤالات*، مرتضی رضوی، تهران: مؤسسه کیهان.

۸۹. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ق). *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*، عباس قوچانی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

۹۰. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ ق). *عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۹۱. النسائی، احمد بن شعیب (۱۴۱۱ ق). *السنن الکبری*، عبدالغفار سلیمان البنداری، سید کسروی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۹۲. النملی، عبدالکریم بن علی (۱۴۲۰ ق). *المهذب فی علم اصول الفقه المقارن*، ریاض: مکتبه الرشد.

۹۳. وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية (۱۴۰۴ ق). *الموسوعة الفقهية الكويتية*، کویت، مصر: دارالسلاسل، مطابع دارالصفوة، طبع الوزارة.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی